

تحلیل کالبدی خانه‌های قدیمی تبریز

محمدعلی کی نژاد،

محمدعلی کی نژاد،

بخش اول

مقدمه

خانه‌های قدیمی تبریز با مسافت مقام معظم رهبری به این شهر غبار از چهره گرفته و رونقی دوباره یافتد. با خرید و هدیه دوباب از این خانه‌ها به دانشگاه صنعتی سهند (که نهایتاً به چهار باب رسید)، سایر خانه‌های فراموش شده تبریز نیز مورد توجه قرار گرفتند. خرید این خانه‌ها به منظور تاسیس رشته معماری دانشگاه صنعتی سهند (خانه‌های مجاور هم در محله مقصودیه تبریز به نامهای خانه‌های بهنام، قدکی و گنجه‌ای زاده) بود که اکنون دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز است. بعدها مسئولین محلی به سراغ خانه‌های قدیمی تبریز رفته و با تغییر کاربری و مرمت اساسی، توانستند غبار از چهره آنها گرفته و شور و نشاط را به کالبدشان بدمند. در نتیجه خانه اردوبادی به مرکز استناد، خانه شربت اوغلی به فرهنگسرای تبریز، خانه میرزا ایی و نیشاپوری به مهد قرآن، خانه سلماسی به موزه سنگش و خانه ثقة الاسلام به دفتر فنی میراث فرهنگی تبدیل شدند و خانه‌های علوی، امیرنظام، حیدرزاده، رستگار، مجتهدی و صحنه نیز در حال مرمت و تغییر کاربری‌اند. امید است که با ادامه این روند، خانه‌های قدیمی تبریز حیاتی دوباره بیابند.

روش تحقیق

هدف از این پژوهش تحلیل کالبدی چند نمونه از خانه‌های تبریز است و شامل مراحل شناخت، برداشت و تهیه نقشه، و در نهایت تحلیل است که به طور خلاصه به شرح هریک می‌پردازیم. در مرحله‌ی شناخت، با مراجعه به مطالعات و منابع موجود، از جمله مطالعات مهندسین مشاور و سازمان میراث فرهنگی، فهرستی از خانه‌ها را جمع‌آوری کرده و از میان آنها تعدادی جهت برداشت و تهیه نقشه انتخاب شدند. مطالعه از نقشه کاربری اراضی که در آن صرفاً

لکه‌گذاری محل خانه‌ها، بدون ذکر نام، سابقه و نشانی دقیق صورت گرفته بود و با توجه به قدمت تهیه آن غیردقیق به نظر می‌رسید آغاز شد و سرانجام با مطالعات مهندسین مشاور در مورد خانه‌های تبریز خاتمه یافت. گزارش به دست آمده از مطالعات مهندسین مشاور صرفاً شامل عکسها و شماره خانه‌ها بر روی نقشه کلی شهر، بدون نشانی، نام خانه و قدیمت آنها بود. در آرشیو و کتابخانه میراث فرهنگی نیز مطالعات پراکنده‌ای موجود بود که در آن به نام و نشانی برخی از خانه‌ها اشاره شده بود.

از آنجایی که این منابع ناکافی بود، تصمیم گرفته شد تا ادامه کار به صورت میدانی و با بلوک‌بندی شهری و مراجعه و بررسی آنها صورت گیرد. در این مرحله شهر تبریز به بلوک‌های شهری متعددی تقسیم شد و با مراجعه به تک‌تک آنها، فرم‌هایی که حاوی اطلاعاتی دقیق در مورد نام، نشانی، قدامت، تزئینات، دسترسی‌ها، وضعیت سکونت و غیره بود تکمیل گردید. این اطلاعات با مطالب به دست آمده قبلی تطبیق داده شد و در نهایت برای هریک از خانه‌ها اطلاعاتی نسبتاً جامع به صورت جداگانه تدوین گردید و به همراه یک قطعه عکس ارائه شدند. لازم به ذکر است که قدامت خانه‌های تبریز به علت زلزله مهیب سال ۱۱۹۳ هجری قمری مربوط به اوخر زندیه و اوایل قاجار می‌باشند. در این زلزله شهر کاملاً با خاک یکسان گردیده و به جز چند بنای معروف از جمله ارگ علیشاه و مسجد کبود، اثر دیگری باقی نماند.

مرحله دوم، شامل برداشت و تهیه نقشه است. در این مرحله تعدادی از خانه‌های موجود که امکان دسترسی و تهیه نقشه برای آنها میسر بوده انتخاب شدند و با مراجعه به محل، نقشه کامل آنها تهیه شدند که شامل پلان‌ها، مقاطع و نماها بود. در بعضی موارد که نقشه‌های کلی موجود بوده، به تکمیل اقدام شده است. البته نقشه‌های به دست آمده بیانگر وضعیت مهرماه سال ۱۳۸۱ می‌باشند.

در مرحله سوم، خانه‌های برداشت شده از دو منظر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. ابتدا به تحلیل ساختاری و کالبدی فضاهای هر خانه پرداخته شد. در این مرحله، به کلیاتی همچون جبهه‌های ساخته شده بنا، نحوه استقرار ورودی نسبت به همسایگی، نحوه استقرار ورودی نسبت به محور اصلی و فرعی و فضاهای مستقر در راستای محور اصلی و فرعی در طبقات مختلف اشاره گردید. سپس فضاهای اصلی هر خانه به صورت مجزا بررسی شد که شامل ورودی و هشتی، طبی، حوضخانه، کله‌ای، حیاط اندرونی و بیرونی، ایوان و پله می‌باشند. علت انتخاب فضاهای فوق این است که حضور اصلی و عمده‌ای در سازماندهی فضایی خانه‌ها

داشته و در طول زمان نسبت به فضاهای دست دوم چون اتاق‌ها، سردابه‌ها، انباری‌ها و غیره کمتر دستخوش تغییر و تحول بوده‌اند. در این مرحله، بیشتر به تغییرات کالبدی و شکلی فضاهای توجه شد و در هر مورد شکل فضا، ابعاد فضا، مساحت فضا و نیز ارتباط و دسترسی به فضا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در مواردی که وضعیت اولیه یک فضا، به راحتی قابل تشخیص بود، سعی شده تا وضعیت اولیه حفظ شود.

در ادامه این پژوهش به بررسی تطبیقی خانه‌ها پرداختیم. در این مرحله تک‌تک مواردی که در بخش بررسی ساختاری فضاهای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته بودند، - در دوره زمانی اوایل قاجار تا پهلوی اول - مطالعه شد. این امر نشانگر تحولات و دگرگونی‌های هریک از فضاهای در طول این دوره بود. در نتیجه این بررسی، سیر تحول و تغییر شکل فضاهای و نحوه سازماندهی آنها در طول زمان به دست آمد و مطالب به دست آمده را در چهار دوره زمانی اوایل قاجار، اواسط قاجار، اواخر قاجار و پهلوی اول به صورت جداگانه تدوین کرده تا بتوان نحوه سازماندهی فضایی خانه‌ها را در یک دوره مطالعه کرد.

در خاتمه، ذکر چند نکته لازم می‌نماید. اول این که این تحقیق در مورد ۲۱ خانه به عمل آمده و سعی شده تا از هر دوره تعدادی خانه‌گزینش شود. اما آنچه مسلم است نمی‌توان یک حکم قطعی و کلی را در مورد گونه‌شناسی خانه‌های تبریز صادر کرد و با هرچه بیشتر شدن موارد مورد تحلیل، می‌توان نتایج به دست آمده از این تحقیق را اصلاح نمود. در مورد خانه بهنام لازم به ذکر است که طبق نظر کارشناسان شواهدی دال بر تعلق این خانه به اواخر زندیه وجود دارد، لذا ابتدا نگاهی کلی به ویژگی‌های این خانه کردیم. همچنین از آنجایی که بخش‌های مختلف خانه‌های مجتهدی و گنجه‌ای زاده در دوره‌های مختلف ساخته شده‌اند، لذا هر بخش به صورت جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

کلیات

جبهه‌های ساخته شده بنا

جبهه شمال به علت مسایل اقلیمی، نورگیری مناسب و استفاده از آفتاب در فصل‌های سرد سال، در تمامی خانه‌ها مورد توجه بوده است. در این جبهه، فضاهای اصلی زندگی از جمله طنبی‌ها و کله‌ای‌ها قرار گرفته است. همچنین یک ایوان سرتاسری نیز در این جبهه قرار گرفته که باعث جلوگیری از نفوذ آفتاب در تابستان می‌باشد.

جبهه غرب، نظر به این که پشت به آفتاب نامناسب غرب دارد در درجه دوم اهمیت است به گونه‌ای که در صورت چند جبهه‌ای بودن خانه‌ها، جبهه غربی اولویت دارد. این جبهه بیشتر مخصوص فضاهایی چون سردا به و انباری بوده که کمتر مورد استفاده قرار می‌گرفته است. جبهه شرقی، از آنجایی که در معرض نور نامناسب غرب می‌باشد، در خانه‌هایی که جبهه جنوبی، در خانه‌هایی که دو جبهه‌ای هستند مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. در خانه‌هایی که در سه جبهه ساخته شده‌اند، از جبهه شرقی استفاده شده است (سلماسی، قدکی و نیشابوری).

جبهه جنوبی، در خانه‌هایی که مربوط به اوایل قاجار بوده و هنوز از الگوی معماري درونگرای ایرانی تبعیت می‌کنند، به صورت تابستان نشین درآمده است که نمونه آن در خانه بهنام قابل مشاهده است. در چند خانه دیگر، از جمله مشروطیت و حیدرزاده، این جبهه دارای فضاهایی کم اهمیت چون انباری است. در چند مورد از خانه‌های مربوط به اوآخر قاجار و رضاشاهی، با توجه به شیوه الگوی بروونگرا، خانه‌ها به صورت کلاه‌فرنگی ساخته شده‌اند که می‌توان به خانه کلانتری که در داخل یک باغ احداث شده و هم‌چنین خانه‌های اردوبادی و ثقة‌الاسلام اشاره کرد. به نظر می‌رسد با نزدیک شدن به دوران متاخر، جبهه‌های مورداستفاده کمتر شده به طوری که در خانه‌های رضاشاهی، عموماً از یک جبهه (شمالي) استفاده گردیده است.

جهت‌گیری بنا

به صورت یک اصل کلی می‌توان گفت جهت‌گیری بناها عموماً رو به جنوب بین ۱۵ درجه جنوب شرقی تا ۱۰ درجه جنوب غربی می‌باشد به گونه‌ای که فضاهای اصلی قرار گرفته در جبهه شمالي مانند طنبی، کله‌ای و اتاق‌های تشیمن، رو به جنوب قرار می‌گیرند. تنها در خانه حاج شیخ جبهه اصلی ساختمان در سمت غرب قرار گرفته است.

همسايگي‌ها

با توجه به قرارگیری خانه‌های مورد مطالعه در بافت قدیمی و فشرده شهر اکثر آنها از چندین جهت دارای همسایگی می‌باشند. در یک بررسی کلی مشاهده می‌شود که بیشتر خانه‌ها از سه جبهه دارای همسایگی بوده و تنها یک جبهه به معبر محدود است. (سلماسی، گنجه‌ای زاده، حاج شیخ، قدکی، شربت اوغلی، ساوجبلاغی، اردوبادی، ثقة‌الاسلام و صحنه). در این موارد،

ورودی نیز بیشتر در جبهه‌ای که به معبیر محدود شده قرار گرفته است. در چند مورد نیز خانه از هر چهار طرف دارای همسایگی است. مثلاً خانه بهنام از هر جهت محدود به همسایه می‌باشد و ورود به آن، از طریق دالان جنوبی صورت می‌پذیرد که ما را به هشتی و ورودی مشترک با همسایه غربی (خانه قدکی) می‌رساند. این مورد همچنین در خانه امیرنظام و نیشابوری نیز دیده می‌شود که ورودی به این خانه‌ها، از طریق معابری باریک که به یکی از اضلاع خانه منتهی می‌شود صورت می‌گیرد.

نحوه استقرار ورودی نسبت به همسایگی‌ها

ورودی به خانه‌ها، اغلب از جهتی صورت می‌گیرد که دارای همسایگی نبوده و به معبیر محدود نند. این امر در خانه‌هایی که صرفاً دارای یک ورودی می‌باشند بیشتر قابل مشاهده است (سلماسی، گنجه‌ای زاده، حاج شیخ، قدکی، ساوجبلاغی، اردوبادی، ثقةالاسلام و صحنه). در این خانه‌ها، که از سه جهت دارای همسایگی می‌باشند، ورودی در جهتی که به معبیر محدود است قرار گرفته است. در تعدادی از خانه‌هایی که دارای دو ورودی می‌باشند، ورودی‌ها در جبهه‌هایی قرار دارند که محدود به همسایگی نبوده و در مجاورت معبیر هستند (مجتبهدی، حیدرزاده، رستگار و لاله‌ای). در چند نمونه از خانه‌هایی که دو ورودی دارند، دو حیاط اندرونی و بیرونی وجود دارد که ورودی‌ها با توجه به دسترسی به این دو حیاط استقرار یافته‌اند. مثلاً در خانه شربت اوغلی، ورودی شمالی به بیرونی در جبهه معبیر شمالی و ورودی جنوبی به اندرونی، در گوشه جنوب شرقی قرار گرفته است. همچنین در خانه امیرنظام ورود به اندرونی از ضلع شمال شرقی و ورود به بیرونی از ضلع جنوب شرقی و در امتداد معابر صورت می‌پذیرد. در خانه بهنام که از هر چهار طرف دارای همسایگی بوده و هیچ مجاورتی با معبیر ندارد همانگونه که گفته شد ورودی به خانه از گوشه جنوب غربی و از طریق دالانی صورت می‌گیرد که به هشتی و ورودی مشترک با خانه مجاور غربی (قدکی) می‌رسد. در نمونه‌های دیگری که از هر چهار جهت همسایگی دارند، ورودی در انتهای معبیر منتهی به یکی از جبهه‌های ساختمان قرار گرفته است (کلانتری و نیشابوری).

نحوه استقرار ورودی نسبت به محور اصلی و فرعی

به طور کلی می‌توان گفت سعی شده تا ورودی‌های خانه در امتداد محورهای اصلی و فرعی بنا

قرار نگیرد. این نکته بیانگر اهمیت موضوع محرومیت خانه‌ها می‌باشد، چراکه در این صورت دید مستقیم از ورودی به درون خانه میسر نمی‌گردد. این نکته در تمامی خانه‌ها تا دوران رضاشاهی قابل مشاهده است. اما در مواردی از خانه‌های دوران رضا شاهی، ورودی نیز در امتداد محورهای اصلی و فرعی قرار گرفته است که این امر بیانگر کاهش اهمیت محرومیت و دورنگرا بودن خانه‌ها و تاکید بر برونگرایی و توجه به نماهای بیرونی می‌باشد. مثلاً در خانه اردوبادی که کاملاً برونگرا است، نه تنها ورودی اصلی و فرعی در امتداد محورهای اصلی و فرعی قرار گرفته، بلکه از طریق عناصر معماري همچون پله و ایوان به آن تاکید شده است. همچنین است خانه رستگار که وجه بیرونی آن دارای اهمیت خاصی می‌باشد و ورودی در امتداد محورها قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد آنچه در محل استقرار ورودی اهمیت بیشتری داشته است، محور اصلی بنا بوده و ورودی خود را با امتداد محور اصلی ساختمان هماهنگ نموده و در وجود جانبی راستای محور اصلی قرار گرفته است. این امر شاید بدین خاطر باشد که پس از ورود به حیاط خانه - که از طریق واسطه‌هایی چون فضای ورودی و هشتی صورت می‌گرفته است - با وجه اصلی خانه مواجه شویم. این نکته به خوبی در خانه‌های بهنام، مشروطیت، قدکی، شربت اوغلی، حیدرزاده، ساو جبلاغی، امیر نظام، لاله‌ای و صحنه قابل مشاهده می‌باشد.

فضاهای مستقر در راستای محور اصلی بنا

در اکثر خانه‌ها، فضاهای اصلی در امتداد محور اصلی بنا قرار گرفته‌اند. مثلاً طنبی، ایوان جنوبی و شمالی، حوضخانه و راه‌پله مرکزی در این امتداد شکل گرفته است. در خانه‌هایی که به اوایل تا اواسط قاجاریه مربوط می‌باشند و در آنها طنبی، حوضخانه، کله‌ای و ایوان به عنوان فضاهای اصلی وجود دارند، این فضاهای در امتداد محور اصلی خانه استقرار یافته‌اند. در دوران متأخر - اواخر قاجار و رضاشاهی - با کاهش اهمیت این فضاهای محل استقرار آنها نیز از محوریت خارج می‌شود. همچنین فضاهایی مثل راه‌پله که حضور کم‌رنگی در دوران متقدم داشته، به عنوان یک عنصر شاخص و محوری در راستای محور اصلی ساماندهی می‌شود. همچنین در دوران متأخر، ایوان‌های اصلی سراسری جای خود را به ایوان‌های کوچک می‌دهند که حالت بیرون زده داشته و بیشتر به عنوان عامل جذب در نمای بیرونی مورد استفاده قرار می‌گیرند. (گنجه‌ای زاده غربی، اردوبادی، رستگار، ثقة‌الاسلام و لاله‌ای).

در طبقه همکف فضاهای اصلی‌ای چون طبی، ایوان اصلی و پله قرار گرفته است. در خانه‌های متقدم، با توجه به اهمیت طبی، این فضا در راستای محور اصلی و در طبقه همکف قرار گرفته است. (سلماسی، بهنام، گنجه‌ای زاده شمالی، حاج شیخ، علوی، مجتبهدی، قدکی، حیدرزاده، ساوجبلاغی، امیرنظام، کلانتری و لاله‌ای). در صورت وجود ایوان سرتاسری جنوبی یا شمالی، این فضا نیز در طبقه همکف واقع می‌باشد و اغلب در جنوب و گاه در شمال طبی است (بهنام، گنجه‌ای زاده شمالی، حاج شیخ، حیدرزاده، ساوجبلاغی و امیرنظام).

در دوران متأخر، ایوان شکل سرتاسری خود را از دست داده و به صورت ایوان‌های کوچک بیرون زده در دو سمت محور اصلی یا در امتداد آن و در طبقات بالاتر قرار گرفته است (اردوبادی، رستگار، ثقة‌الاسلام و لاله‌ای). پله از دیگر عناصری است که در طبقه همکف خانه‌هایی که مربوط به بعد از اوآخر قاجار می‌باشند به صورت محوری مطرح گردیده است. راه‌پله مرکزی در هیچ‌یک از خانه‌های مربوط به اوایل قاجار دیده نمی‌شود و این نکته نشان می‌دهد که راه‌پله مرکزی عنصری وارداتی می‌باشد. حضور راه‌پله مرکزی از خانه مشروطیت شروع شده در خانه‌های شربت اوغلی، حیدرزاده، گنجه‌ای زاده غربی، اردوبادی، ثقة‌الاسلام و صحتی به اشکال مختلف قابل مشاهده می‌باشد. همچنین در طبقه همکف خانه‌های متأخر نوعی پله که ارتباط میان حیاط و ایوان‌ها و داخل خانه را میسر می‌سازد شکل گرفته است که دارای شکل‌های مختلف نیز می‌باشند (امیرنظام، گنجه‌ای زاده غرب و نیشابوری وجود دارند). تنها در خانه مشروطیت حوضخانه در طبقه همکف و حدوداً هم‌سطح با حیاط قرار گرفته است. در طبقه زیرزمین اغلب خانه‌های متقدم و در راستای محور اصلی، فضای پراهمیت حوضخانه قرار گرفته است (سلماسی، حاج شیخ، علوی، مجتبهدی جنوبی، قدکی، حیدرزاده، ساوجبلاغی و امیرنظام). در زیرزمین خانه نیشابوری نیز یک حوضخانه وجود دارد که در امتداد محور اصلی نمی‌باشد. در این طبقه، به غیر از حوضخانه فضای پراهمیت دیگری در این راستا قرار نگرفته است.

در طبقه اول خانه‌هایی که دارای کله‌ای می‌باشند، دو اتاق کله‌ای که در دوران متأخر کمتر قابل مشاهده است در دو سمت محور اصلی در طبقه اول قرار گرفته‌اند (سلماسی، بهنام، حاج شیخ و مجتبهدی جنوبی). طبی در خانه‌های متأخر در طبقه اول قرار گرفته است (مشروطیت، شربت اوغلی، گنجه‌ای زاده غربی، مجتبهدی شمالی، اردوبادی، رستگار، ثقة‌الاسلام، لاله‌ای و صحتی) که در این موارد از لحاظ شکل و نوع دسترسی تفاوت ماهوی با طبی‌های متقدم دارد.

از فضاهای موجود در طبقه اول می‌توان به ایوان‌های بیرون زده کوچک اشاره کرد که اغلب در دو سمت محور اصلی و با حضور صریح در نمای ساختمان‌ها در خانه‌های گنجه‌ای زاده غربی، ثقة‌الاسلام، لاله‌ای دیده می‌شوند.

فضاهای مستقر در راستای محور فرعی

اکثر فضاهای اصلی خانه‌ها، همانگونه که گفته شد در راستای محور اصلی ساختمان قرار گرفته‌اند و کمتر فضایی است که در امتداد محور فرعی ساختمان ساماندهی شده باشد. از فضاهای قابل اشاره تنها می‌توان اتاق‌های سه دری را ذکر نمود که در بعضی خانه‌ها در امتداد محور فرعی قرار گرفته‌اند. این اتاق به صورت نشیمن یا خواب مورد استفاده قرار می‌گرفته است و در طبقه همکف واقع شده است (سلماسی، بهنام، حاج شیخ، مجتبهدی جنوبی، امیرنظام و نیشابوری). در دو خانه قدکی و اردوبادی، ایوان و در خانه گنجه‌ای زاده، راه پله در امتداد محور فرعی است. در طبقات زیرزمین و اول و در امتداد محور فرعی، در اکثر موارد هیچ فضای مهم قابل اشاره‌ای قرار نگرفته است به جز خانه اردوبادی که در محور فرعی آن و در طبقه اول، ایوان قرار گرفته است که بیرون زده و از سه طرف باز می‌باشد.

وروودی

شكل فضا

شكل فضای ورودی، بسیار متنوع و گوناگون است. در بعضی از خانه‌ها، شکل ورودی به گونه‌ای است که خود تبدیل به یک فضای مستقل می‌گردد (سلماسی، مجتبهدی، قدکی و ساوجبلاغی). این فضا می‌تواند دارای سکو یا پاخوره جهت استراحت عابران یا نشستن افراد باشد. در چند نمونه خاص، ورودی دارای شکل مشخص می‌باشد. مثلاً در خانه سلماسی، این فضا به شکل هشت ضلعی و در خانه ساوجبلاغی به شکل نصف هشت ضلعی است.

فضای ورودی، بیشتر در خانه‌های متقدم وجود دارد. اکثر خانه‌های دوران رضاشاھی و نیز اواخر قاجار فاقد فضای ورودی بوده و سر در ورودی، بدون واسطه به فضای داخلی یا هشتی متصل می‌گردد (نیشابوری، رستگار، صحنه و لاله‌ای). در خانه‌های متأخر که به صورت کلاه‌فرنگی می‌باشند، فضای ورودی به صورت خاص درآمده است. در این خانه‌ها، با توجه به بروونگرا بودن آنها، ورودی به داخل خانه با عناصری چون پله و ستون مورد تأکید قرار می‌گیرد به

گونه‌ای که می‌توان یک فضای ورودی را احساس نمود. مثلاً در خانه کلاتری که در وسط یک باغ واقع است، ستون‌ها و تورفتگی ورودی، فضای ورودی را به وجود آورده است. در خانه اردوبادی نیز، پله‌ها به خلق فضای ورودی کمک می‌نماید. همین‌طور در خانه ثقة‌الاسلام فضای ورودی از طریق پله و ایوان شکل گرفته است.

هشتی

شكل فضا

هشتی به عنوان فضای واسط میان سر در و فضای ورودی و درون خانه عمل می‌کرده است. به طور کلی در خانه‌های مورد بررسی دو شکل عمده هشت ضلعی و چهار ضلعی برای هشتی‌ها قابل مشاهده می‌باشد. شکل هشت ضلعی در خانه‌های سلماسی، مجتهدی و ساوجبلاغی و شکل چهارضلعی در خانه‌های حاج شیخ، مشروطیت، شربت اوغلی، نیشابوری و لاله‌ای دیده می‌شود. اصلاح هشت ضلعی‌ها یا بسته بوده و دارای تزیینات و طاقبندی است و یا به صورت ورودی به فضای مجاور درآمده است. بعضی از هشتی‌ها از دو ضلع (ساوجبلاغی) و بعضی از سه ضلع (سلماسی و مجتهدی) باز می‌باشند. اصلاح هشتی‌های چهار ضلعی نیز یا به صورت ورودی و یا به صورت بسته با تزیینات است. این هشتی‌ها یا از دو ضلع (مشروطیت و لاله‌ای و صحنه) یا از سه ضلع (شربت اوغلی و نیشابوری) و یا از هر چهار طرف (حاج شیخ) باز می‌باشند.

ورود به حیاط در بعضی از هشتی‌ها بدون واسطه صورت می‌پذیرد (مشروطیت، شربت اوغلی، نیشابوری و لاله‌ای) و در بعضی موارد از طریق یک راهرو یا دالان می‌باشد (سلماسی، و مجتهدی). در چند مورد نیز پس از هشتی وارد یک سکوی صفه مانند شده و به وسیله پله به حیاط اصلی وارد می‌شویم (ساوجبلاغی و صحنه). فضاهایی که دسترسی آنها از طریق هشتی است متنوع‌اند. در خانه سلماسی، از ضلع شرقی هشتی به اتاق جانبی، در خانه حاج شیخ از اصلاح شرقی و غربی به اتاق‌های جانبی، و در خانه نیشابوری از ضلع جنوبی و به واسطه پله به اتاق مجاور دسترسی وجود دارد.

طنبی کلیات

طنبی در خانه‌های متقدم به عنوان اصلی‌ترین فضا و در خانه‌های متاخر به عنوان یک فضای مهم وجود داشته است. این فضا در اکثر خانه‌ها در امتداد محور اصلی ساختمان و در جبهه شمالی آن قرار گرفته و بیشتر به صورت اتاق میهمان مورد استفاده بوده است. اما در دوران متاخر، با کاهش اهمیت این فضا محل استقرار آن نیز گاهی از محوریت خارج شده است (ثقةالاسلام، گنجه‌ای زاده غربی و صحنه).

در جنوب طنبی، در دوران متقدم بیشتر یک ایوان سرتاسری واقع شده که این ایوان هم به صورت محافظ پنجره‌های ارسی، و هم جهت استفاده بهینه از نور آفتاب - ایجاد سایه در تابستان و نفوذ آفتاب در زمستان - مورد استفاده بوده است (بهنام، گنجه‌ای زاده شمالی، حاج شیخ، علوی، مشروطیت، قدکی، شربت اوغلی، ساوجبلاغی و امیرنظام). در دوران متاخر، ایوان سرتاسری به ایوان‌های بیرون زده‌ای که از سه جهت باز می‌باشند تبدیل گردیده و در اختیار طنبی قرار گرفته است (گنجه‌ای زاده غربی، مجتبه‌ی شمالی،ثقةالاسلام و لاله‌ای). در بعضی از طنبی‌ها، ضلع شمالی نیز دارای ایوان سرتاسری است (قدکی و حیدرزاده).

طنبی اغلب در طبقه همکف قرار گرفته (سلماسی، گنجه‌ای زاده شمالی، حاج شیخ، علوی، مجتبه‌ی، قدکی، حیدرزاده، ساوجبلاغی، امیرنظام، کلانتری و لاله‌ای). و به هیچ وجه در زیرزمین واقع نشده است. در خانه‌های متاخر، همانگونه که گفته شد، طنبی محوریت خود را در سازماندهی فضا از داده از راستای محور اصلی خارج گردیده (ثقةالاسلام، گنجه‌ای زاده غربی و صحنه) و به طبقه اول منتقل شده است (گنجه‌ای زاده غربی، مجتبه‌ی شمالی، اردوبادی، رستگار،ثقةالاسلام، لاله‌ای و صحنه). این طنبی‌ها، از لحاظ شکل و نوع دسترسی تفاوت ماهوی با طنبی‌های دوران متقدم دارند. در دو خانه مشروطیت و شربت اوغلی نیز طنبی با وجود مشابهت به الگوهای پیشین، در طبقه اول قرار گرفته است. طنبی در هیچ یک از نمونه‌های مورد بررسی، در امتداد محور فرعی بنا نبوده است.

شكل فضا

اشکال طنبی را می‌توان به دو گونه کلی شکم دریده (سلماسی، بهنام، گنجه‌ای زاده شمالی، مجتبه‌ی جنوبی) و یا مستطیل شکل (بقیه خانه‌ها) تقسیم‌بندی نمود. گونه شکم‌دریده که بیشتر

مریب و مربوط به خانه‌های اوایل قاجار می‌باشد از دو فضای جانبی برخوردار است که به صورت انباری و گنجه (بهتان و گنجه‌ای زاده شمالی) یا پله ورود به کله‌ای (سلماسی و مجتهدی جنوبی) درآمده است.

در دیوار و سقف طبیعتی‌های دوران متقدم از تزیینات استفاده شده است. دیوارهای طبیعتی خانه سلماسی دارای شومینه با تزیینات نقاشی است. همچنین طبیعتی خانه بهنام دارای نقاشی در بدنه‌ها و سقف و شومینه‌های نقاشی شده در دیوارها است. در بعضی طبیعتی‌ها، اگرچه تزیینات نقاشی موجود نیست اما بدنه‌ها طاقچه‌های متعددی دارند (گنجه‌ای زاده شمالی و حاج شیخ). هرچه به دوران متاخر نزدیک‌تر می‌شویم، طبیعتی از لحاظ شکل و تزیینات به سادگی می‌گراید. طبیعتی، در خانه‌ای که ارتفاع آن باعث به وجود آمدن کله‌ای در دو طرف شده باشد (سلماسی، بهنام، حاج شیخ و مجتهدی جنوبی) دارای دو طبقه ارتفاع است در غیر اینصورت تنها ارتفاع یک طبقه را داشته است. در بعضی از طبیعتی‌ها از پنجره‌های ارسی دار در ضلع جنوبی آن استفاده شده است (سلماسی، بهنام، مشروطیت، قدکی، حیدرزاده، ساوجبلاغی و امیرنظام). این پنجره‌ها که شیشه‌های الوان شکل دارند، در درون فضا و در فصلهای مختلف نورهای متنوعی را ایجاد کرده و به صورت کشوبی قابل گشوده شدن می‌باشند. پنجره ارسی، در بعضی از خانه‌ها در هر دو سمت جنوب و شمال وجود دارد (بهنام، قدکی، حیدرزاده و امیرنظام). اما در طبیعتی خانه‌های متاخر بجای پنجره ارسی از سه پنجره مجزا (شربت اوغلی، گنجه‌ای زاده غربی، مجتهدی شمالی، ثقة‌الاسلام و لاله‌ای) یا پنج پنجره مجزا (رستگار و صحنه) استفاده شده است.

در خانه امیرنظام، طبیعتی شکل خاصی به خود گرفته و دو قسمتی است، بدین صورت که یک پنجره ارسی در میانه طبیعتی قرار گرفته و آن را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم نموده است. برای این امر، دو دلیل را می‌توان عنوان نمود: دلیل اول این که با توجه به تعلق این بنا به دوران اوخر قاجار و به علت تغییر در ساختار اجتماعی و کم رنگ شدن مسایل مریب و محرومیت، فضای متعلق به زنان که بیشتر در کله‌ای‌ها بوده است، به مجاورت طبیعتی انتقال یافته و بخش شمالی به زنان اختصاص یافته است. توضیح این که در شرایط خاص می‌توان با بالا کشیدن پنجره ارسی میانی، به یک فضای یکپارچه دست یافت. دلیل دوم این که طبیعتی جنوبی، جهت استفاده در زمستان‌ها و طبیعتی شمالی به منظور استفاده در تابستان ایجاد گردیده است.

دسترسی

دسترسی به طنبی در خانه‌هایی که این فضا در راستای محور اصلی و در پشت محور اصلی و در پشت ایوان سرتاسری قرار گرفته است، از طریق حیاط اندرونی یا بیرونی و به واسطه فضاهای جانبی آن صورت می‌گیرد (سلماسی، بهنام، گنجه‌ای زاده شمالی، حاج شیخ، علوی، مجتبهدی جنوبی، قدکی، ساوجلاغی و امیرنظام). در خانه‌های متاخر، که طنبی به طبقه اول منتقل شده است، دسترسی از طریق اتاق‌های جانبی یا راهرو مجاور که از طریق سرسرا و راهپله مرکزی به همکف می‌رسد، برقرار می‌گردد (شربیت‌اوغلی، حیدرزاده، گنجه‌ای زاده غربی، اردوبادی، ثقةالاسلام و صحنه).

دسترسی به طنبی را می‌توان به چند گونه اصلی زیر تقسیم‌بندی نمود. (در این گونه‌ها، فضاهای به ترتیب از شرق به غرب عنوان گردیده است و مربع بیانگر طنبی می‌باشد).

گونه الف: اتاق - ■ - اتاق

در این گونه دسترسی به طنبی از طریق اتاق مجاور صورت می‌گیرد (سلماسی، قدکی، ساوجلاغی). این اتاق‌ها از طریق پله به حیاط اصلی راه دارند.

گونه ب: راهرو - ■ - راهرو

در این گونه، دسترسی به طنبی از طریق دو راهرو مجاور صورت می‌گیرد (بهنام، گنجه‌ای زاده شمالی، مجتبهدی جنوبی، امیرنظام و مجتبهدی شمالی). راهروهای جانبی از یک سو از طریق پله به حیاط اصلی منتهی می‌شوند و از سوی دیگر به طبقات بالا (بهنام، گنجه‌ای زاده شمالی، مجتبهدی جنوبی و مجتبهدی شمالی) و فضاهای جانبی دیگر مثل اتاق (بهنام، گنجه‌ای زاده شمالی، مجتبهدی جنوبی، امیرنظام و مجتبهدی شمالی) دسترسی برقرار می‌سازند.

گونه ج: اتاق - ■ - راهرو یا راهرو - ■ - اتاق

در این موارد، طنبی از یک سمت از راهرو و از سمت دیگر از اتاق جانبی دسترسی دارد (حاج شیخ و علوی). راهرو از یک سمت به حیاط اصلی (حاج شیخ و علوی) و از سمت دیگر به طبقه بالا (حاج شیخ) دسترسی برقرار می‌سازد.

سرسرا
| /
گونه د: اتاق - ■ - اتاق

این گونه در خانه‌هایی که دارای راه‌پله مرکزی و سرسرا می‌باشند (مشروطیت، شربت اوغلی، ثقةالاسلام و صحنه). راه‌پله مرکزی که ارتباط دهنده طبقه همکف و اول می‌باشد، ما را

به سرسرایی می‌رساند که به صورت فضای تقسیم عمل می‌نماید. این سرسرما، هم به صورت مستقیم به طبی راه دارد و هم دسترسی به اتاق‌های مجاور را برقرار می‌سازد که این اتاق‌ها نیز خود به طبی دسترسی دارند. در خانه لاله‌ای، به جای اتاق‌های جانبی، دو راهرو قرار گرفته است و سه طرف محدود به راهرو و سرسرما می‌باشد.

کله‌ای کلیات

کله‌ای به علت ارتفاع زیاد طبی در دو سوی آن و در طبقه فوقانی قرار می‌گیرد. این فضا بیشتر مربوط به دوره متقدم بوده و در دوره متاخر قابل مشاهده نمی‌باشد. محل استقرار کله‌ای در دو سوی امتداد محور اصلی ساختمان در جبهه شمالی و در طبقه اول می‌باشد (سلماسی، بهنام، حاج شیخ و مجتهدی جنوبی). در صورت وجود ایوان جنوبی، کله‌ای‌ها نیز در درون آن قرار دارند (بهنام و حاج شیخ).

شكل فضا

شکل کلی کله‌ای مستطیل می‌باشد که در بدن‌های آن به فراخور برآمدگی یا فرورفتگی‌هایی ایجاد شده است. کله‌ای‌ها، ارتفاعی برابر یک طبقه را دارا می‌باشند و بعضی از آنها از طریق پنجره جانبی به فضای طبی دارای دید می‌باشند (بهنام و مجتهدی جنوبی). بدن جنوبی کله‌ای، می‌تواند دارای یک پنجره (سلماسی) دو پنجره (بهنام و حاج شیخ) یا سه پنجره (مجتهدی جنوبی) باشد.

دسترسی

دسترسی به کله‌ای‌ها، اصولاً از طریق پله‌هایی که همکف را به طبقه اول می‌رسانند صورت می‌پذیرد.

گونه‌های دسترسی را می‌توان به چند گونه کلی زیر تقسیم نمود:
گونه الف: طبی - پله - کله‌ای

در این گونه، دسترسی به کله‌ای از طریق پله‌ای که در جوانب طبی شکم دریده ایجاد شده صورت می‌پذیرد (سلماسی و مجتهدی جنوبی).

گونه ب: راهرو - پله - کله‌ای

در این گونه، دسترسی از طریق پله‌ای است که در انتهای راهرو واقع شده است (بهنام، حاج شیخ، مجتهدی جنوبی).

گونه ج: اتاق - پله - کله‌ای

در این گونه، دسترسی از طریق اتاق مجاور طنبی و به واسطه پله واقع در آن صورت می‌گیرد (حاج شیخ).

حوضخانه**کلیات**

حوضخانه در خانه‌های متقدم فضایی اصلی و مهم توده که در امتداد محور اصلی بنا و در جبهه شمالی آن واقع گردیده است. این فضا، همان‌گونه که از نام آن پیداست محل استقرار حوض بوده و از آن به عنوان یک فضای خنک جهت نشستن و استراحت، همچنین جهت انبار و نگهداری گوشت و غلات استفاده می‌شده است. در خانه‌هایی که دارای ایوان سرتاسری جنوبی یا شمالی می‌باشند، حوضخانه بازشوها را به این ایوان داشته است (حاج شیخ، علوی، مشروطیت، قدکی و ساووجبلاغی).

محل استقرار حوضخانه عموماً در زیر طنبی بوده است. (سلماسی، حاج شیخ، علوی، مجتهدی جنوبی، قدکی، حیدرزاده، ساووجبلاغی، امیرنظام، نیشابوری و صحتی). تنها در خانه مشروطیت، حوضخانه در طبقه همکف واقع است. در خانه‌های متأخر، حوضخانه یا اصولاً وجود ندارد یا از محور اصلی خارج گردیده (نیشابوری) و یا تغییرات شکلی داشته است (صحتی). حوضخانه در هیچ یک از نمونه‌های مورد بررسی در امتداد محور فرعی بنا نبوده است.

شكل فضا

شكل حوضخانه را در حالت کلی می‌توان به دو گونه چلیپایی و یا مستطیل تقسیم نمود. گونه چلیپایی که به صورت دو مستطیل طولی و عرضی در هم فرود شده می‌باشد یا به شکل چلیپایی کامل بوده (حاج شیخ، مجتهدی جنوبی و حیدرزاده) یا به شکل چلیپاً با فرورفتگی‌های قابل توجه در جوانب آن است (سلماسی، علوی، مشروطیت و قدکی و امیرنظام). این

فرورفتگی‌ها، باعث تنوع فضایی و هم‌چنین تقسیم فضای حوضخانه به چندین ریزفضا گردیده است. گونه مستطیل، مربوط به دوره متأخر است که در آنها از اهمیت حوضخانه کاسته شده است (نیشاپوری و صحتی).

حوضخانه‌های چلیپایی، اغلب دارای کاربندی‌های متنوع با پوشش طاقی می‌باشند. در این گونه، فضای مرکزی دارای یک کاربندی و فضاهای جانبی، کاربندی دیگری را دارا است. در مرکزیت فضا حوضی قرار گرفته که دارای شکل‌های متنوع است. ارتفاع حوضخانه، یک طبقه بوده و از سمت جنوب دارای بازشو‌هایی جهت تامین نور و تهویه به حیاط اصلی می‌باشد. در بعضی از نمونه‌ها، در خانه‌هایی که دارای حیاط اندرونی و بیرونی می‌باشند، حوضخانه در جهت شمالی نیز دارای بازشو است (قدکی، حیدرزاده و امیرنظام).

در خانه امیرنظام، حوضخانه شکل خاص خود را داراست. همان‌طور که گفته شد، این خانه دارای دو طبقه شمالی و جنوبی است که یک پنجره ارسی مابین آنها قرار گرفته است. وسعت طبقه باعث گردیده که در فضای زیرین آن که حوضخانه می‌باشد، جهت تامین ایستایی طبی، چهار ستون در مرکزیت آن قرار گیرد که این امر باعث گشودگی فضای حوضخانه گردیده است.

دسترسی

دسترسی به حوضخانه در خانه‌هایی که این فضا در راستای محور اصلی و زیرطبی قرار دارد، بیشتر از طریق حیاط بیرونی یا اندرونی و به واسطه فضاهای جانبی آن صورت می‌پذیرد. دسترسی به حوضخانه را می‌توان به چند گونه اصلی زیر تقسیم‌بندی نمود (در این گونه‌ها، فضاهای از شرق به غرب عنوان گردیده و مربع نشانگر حوضخانه است).

گونه الف: سرداربه - ■ - سرداربه

در این گونه، دسترسی از طریق دوفضای سرداربه مانند مجاور صورت می‌گیرد (سلماسی، علوی و ساو جبلاغی). این سرداربه‌ها، از یک طرف از طریق پله به حیاط و از سمت دیگر به سرداربه‌های مجاور دسترسی دارند.

گوبه ب: راهرو - ■ - راهرو

در این گونه، دسترسی به حوضخانه از طریق دو راهرو مجاور حوضخانه است (قدکی، امیرنظام و صحتی). این راهروها از طریق پله به حیاط یا از سمت دیگر به سرداربه‌های مجاور دسترسی برقرار می‌سازند.

در بعضی از حوضخانه‌ها، دسترسی شکل ویژه خود را داراست. در خانه مشروطیت، حوضخانه در طبقه همکف واقع شده و بی‌واسطه از حیاط دسترسی دارد. در خانه نیشابوری نیز حوضخانه در راستای محور اصلی نبوده و ورود به آن از یک طرف و به واسطه راهروی جانبی صورت می‌پذیرد. در خانه حاج شیخ نیز، حوضخانه به واسطه دو پله در طرفین آن مستقیماً به حیاط می‌رسد.

حیاط کلیات

لازم به ذکر است که حیاط‌ها در طول زمان تغییرات زیادی را داشته‌اند به طوری که در اکثر خانه‌ها شکل و اندازه آنها دچار دگرگونی شده است. تغییرات فوق، همچنین در شکل باگچه‌ها تا اندازه‌ای است که از بررسی شکل آنها صرف نظر گردیده است.

حیاط‌ها را کلا می‌توان به دو گونه حیاط اندرونی و حیاط بیرونی تقسیم‌بندی نمود. در خانه‌هایی که دارای دو حیاط می‌باشند، یکی حیاط اندرونی و دیگری حیاط بیرونی است (بهنام، مجتبهدی، قدکی، شربت اوغلی، حیدرزاده و امیرنظام). در مواردی که تنها یک حیاط وجود دارد، این حیاط بیشتر خصوصیات حیاط بیرونی را دارا می‌باشد (سلماسی، حاج شیخ، مشروطیت، ساوجبلاغی، نیشابوری، لاله‌ای و صحنه). در خانه‌های متاخر (رضا شاهی) و در گونه‌های برونگرا، خانه در مرکزیت قرار گرفته و حیاط چهار طرف آن را احاطه کرده است (اردوبادی و ثقة‌الاسلام). تغییرات در عرصه حیاط خانه‌های علوی، گنجه‌ای زاده، کلانتری، رستگار، اردوبادی و ثقة‌الاسلام بسیار بوده، لذا از بررسی آنها چشم‌پوشی گردیده است.

حیاط بیرونی شکل فضا

شکل عمومی حیاط بیرونی، چهارگوش و مستطیل بوده که در بعضی از آنها اضافات یا برش‌هایی در اضلاع آن ایجاد شده است. حیاط بیرونی، بیشتر در ضلع جنوبی قرار گرفته است (سلماسی، بهنام، علوی، مجتبهدی، مشروطیت، قدکی، ساوجبلاغی، امیرنظام، نیشابوری، لاله‌ای و صحنه). در صورت وجود حیاط اندرونی، این حیاط در شمال خانه واقع شده (بهنام، مجتبهدی، قدکی و امیرنظام). کشیدگی حیاط بیرونی، عموماً در امتداد شمال - جنوب و در